

## جایگاه زنان در برنامه های توسعه: مقایسه کشورهای اسلامی (کشورهای عضو کنفرانس اسلامی) با تاکید بر

### ایران

سوسن باستانی<sup>1</sup>، مرضیه موسوی<sup>2</sup>، فاطمه حسین پور

#### چکیده

یکی از مقولات بسیار مهم در امر توسعه که مدت‌ها مورد غفلت نظریه‌پردازان و سیاستگذاران قرار داشته، موضوع و یا به عبارتی «مسئله» جنسیت است، به گونه‌ای که این امر به محرومیت بخش عظیمی از جمعیت زنان منجر گردیده است. شواهد زیادی مختلفی نشان می‌دهد جوامعی که در آنها تبعیض جنسیتی وجود دارد، تاوان آن را به صورت فقر بیشتر، رشد کندتر و کیفیت ضعیف‌تر زندگی می‌پردازند. و در مقابل، برابری جنسیتی، توسعه را تقویت و حمایت می‌کند. این پژوهش در پی آن است که با بررسی شاخص‌های توسعه جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی تصویر روشنی از وضعیت زنان در ایران و سایر کشورهای اسلامی ارائه دهد. در این پژوهش از روش‌شناسی تلفیقی، کتابخانه‌ای و تحلیل ثانویه و از داده‌های بانک جهانی و گزارش‌های توسعه انسانی برای پاسخ به سئوالات پژوهش استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، موقعیت زنان در ایران و تمامی کشورهای اسلامی به لحاظ بهداشتی و آموزشی بهبود یافته است؛ اما به لحاظ اقتصادی و سیاسی تغییرات مهمی صورت نگرفته است. مقایسه وضعیت زنان در ایران و سایر کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که توسعه، بدون مشارکت گسترده زنان محقق نمی‌شود. در ایران و کشورهای اسلامی خاورمیانه، مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان کمتر از کشورهای اسلامی شرق آسیا همچون مالزی و کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز است. در مجموع می‌توان گفت نابرابری جنسیتی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در ایران و سایر کشورهای اسلامی همچنان چشمگیر است. این نابرابری جنسیتی به نوبه خود مانع توسعه می‌باشد. برای رفع این نابرابری‌ها، با نهادینه نمودن نگرش‌های جنسیتی در برنامه‌های توسعه، باید تلاش نمود تا شکاف‌های جنسیتی را در عرصه‌های مختلف بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی کاهش داد.

**واژگان کلیدی:** جایگاه زنان، کشورهای اسلامی، توسعه انسانی، توسعه جنسیتی، توانمندسازی جنسیتی

---

<sup>1</sup> دانشیار دانشگاه الزهرا

<sup>2</sup> استادیار دانشگاه الزهرا

توسعه‌ی هر کشور به مشارکت همه‌ی عوامل آن به‌ویژه ظرفیت‌های انسانی بستگی دارد. نتایج تحقیقات گوناگون نشان داده است که سطح توسعه‌ی کشورها تابعی از شاخص‌های کیفیت گروه‌های گوناگون جمعیتی است. در این میان نقش زنان به دلیل کارکردهایی که در تسریع فرآیند توسعه‌ی کشور دارند، قابل توجه است. البته نقش و عملکرد زنان در توسعه، بیشتر به اهداف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جوامع بستگی دارد و می‌تواند به عمل بنیادی در تحولات جوامع انسانی تبدیل شود. توسعه باید امکانات لازم را برای تمامی اقشار جامعه و از جمله زنان فراهم کند، در غیر این صورت فراهم نبودن بستر مناسب برای مشارکت زنان، موجب محروم ماندن کشور از توسعه خواهد شد. شواهد زیادی در سطح ملی و محلی در دست است مبنی بر اینکه جوامعی که در آن‌ها تبعیض جنسیتی وجود دارد، تاوان آن را به صورت فقر بیشتر، رشد کندتر و کیفیت ضعیف‌تر زندگی می‌پردازند ولی برابری جنسیتی، توسعه را تقویت و حمایت می‌کند (مامسن، 1387: 10). از این رو می‌توان گفت دستیابی به توسعه‌ی انسانی (HDI)<sup>1</sup> و توسعه‌ی جنسیتی (GDI)<sup>2</sup> در هر جامعه‌ای، لازم و ملزوم یکدیگرند، به گونه‌ای که بدون جبران عقب‌ماندگی‌های تحمیل‌شده بر زنان در جامعه نمی‌توان به توسعه به معنای واقعی آن دست یافت (خانی، 1385: 38,39). بنابراین ارتقای وضعیت زنان از جنبه‌های مختلف و به عبارتی از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی موجود در جامعه که از اصول مهم در دستیابی به توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی (GEM)<sup>3</sup> است مستلزم شناخت و تبیین ابعاد گوناگون نابرابری است.

## بیان مسئله

1. Human Development Index (HDI)

2. Gender Development Index (GDI)

3. Gender Empowerment Measurement (GEM)

بدون مشارکت زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، دستیابی به توسعه میسر نخواهد بود؛ بنابراین بازنگری وضعیت مشارکت زنان در بخش‌های اقتصادی، بهداشتی و سیاسی و ایجاد نوعی مکانیزم مطمئن برای تقویت مشارکت فعالانه‌ی آن‌ها ضروری است (موزر<sup>1</sup>، 1372). شواهد نشان داده است که توسعه، هیچ‌گاه جریانی بی‌طرف نبوده است و از جهات بسیاری از زنان غفلت نموده است، از این رو می‌توان گفت جامعه‌ای که برای رسیدن به توسعه تلاش می‌کند باید کاهش نابرابری‌ها را در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار دهد، به‌ویژه نابرابری‌های جنسیتی (لیس تورس<sup>2</sup> و همکاران، 1375). وضعیت زنان در کشورهای اسلامی متناقض است؛ چندین دهه سرمایه‌گذاری شگرف در بخش‌های اجتماعی، سطح آموزش و بهداشت زنان را بسیار بهبود بخشیده، اما این پیشرفت‌های برجسته هنوز نتیجه‌ی مورد انتظار را در اشتغال و رشد اقتصادی به بار نیاورده است. مثلاً در منطقه‌ی خاورمیانه کمتر از یک سوم زنان در نیروی کار مشارکت دارند. هر چند این نرخ رو به افزایش است با این وجود سطح 32 درصد پایین‌ترین نرخ در سراسر جهان می‌باشد و از سطح مورد انتظار این منطقه، با توجه به کارنامه‌ی آن در آموزش و باروری پایین‌تر می‌باشد (کولایی و حافظیان، 1385: 41). گزارش بانک جهانی، بر پایه‌ی این موضوع استوار است که عدم مشارکت زنان در نیروی کار کشورها هزینه‌های بالایی را بر اقتصاد آنها تحمیل می‌نماید. در این کشورها سرمایه‌گذاری‌های سنگینی برای دستیابی زنان به تحصیلات بالاتر و همچنین، سطوح بالاتر بهداشت و تنظیم خانواده صورت پذیرفته است. با این حال، به علت سطح بسیار پایین مشارکت زنان در نیروی کار، سرمایه‌گذاری‌های مزبور، بدون بازده باقی مانده‌اند. و به دلیل اینکه بهره‌مندی از پتانسیل‌های زنان در این کشورها با محدودیت روبرو شده؛ در نهایت، محدودیت استفاده از این سرمایه‌های انسانی، رشد اقتصادی آن‌ها را در سطح نازلی نگه داشته است (7: world bank, 2003). از این رو در پژوهش حاضر سعی شده است ابعاد گوناگون مشارکت زنان در فرآیند توسعه‌ی کشورهای

---

2. Mozer, Karolin  
3. Tors, Lis, Amari *et al*

اسلامی بررسی شود. تحلیل توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی می‌تواند به روشن‌تر شدن چگونگی و میزان مشارکت زنان در بخش‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمک شایانی بکند. در این مقاله برای بررسی وضعیت و موقعیت زنان در کشورهای اسلامی به لحاظ بهداشتی، آموزشی و اقتصادی و سیاسی از آمارهای بانک جهانی و شاخص‌های توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی سال 2009 استفاده شده است. این مطالعه در پی پاسخ به این سوال است که وضعیت زنان در شاخص‌های بهداشتی و آموزشی و اقتصادی و سیاسی در کشورهای اسلامی چگونه است؟ و آیا بین شاخص توسعه‌ی انسانی و شاخص توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی ارتباط وجود دارد؟

### مبانی نظری:

بنیاد نظری این مقاله را رویکرد نهادگرا و نظریه‌ی توانمندسازی و نظریه‌ی دولت رانته تشکیل می‌دهد و گمان می‌رود این نظریات می‌توانند بستری مناسب برای تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در امر توسعه را فراهم آورند.

در رویکرد نهادگرا، اعتقاد بر این است که ارزش‌ها و هنجارها، اعتقادات، نظام حقوقی، ارکان و سازمان‌های حکومتی، نظام‌های تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار باید نسبت به ضرورت برابری فرصت‌ها و امکانات و عدالت جنسیتی حساس شوند. بدین ترتیب مسایل زنان، به علاوه‌ی مردان باید بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند طراحی و اجرا، پایش و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های یک کشور و در تمامی سطوح باشد. مشارکت فعال زنان و کنترل آن‌ها بر منابع نه جدای از مردان بلکه باید همتای با مردان در نظر گرفته شود؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که در این رویکرد هرگاه جامعه‌ی در تمامی ساختارها، ارکان، سازمان‌های حکومتی و نظام‌های تصمیم‌گیریش به مسئله‌ی جنسیت حساس باشد و فرصت‌ها و منابع برابری در آموزش، بهداشت و سلامت، شغل و درآمد به زنان و مردان اختصاص دهد، در واقع به توانمندسازی زنان

کمک شایانی نموده است؛ لذا بهبود موقعیت زنان در شاخص‌های توسعه‌ی جنسیتی باعث بهبود موقعیت آنان در شاخص‌های توانمندسازی می‌شود (برزگر، 1386: 26).

نظریه‌ی توانمندسازی نیز با هدف قرار دادن نیازهای استراتژیک زنان و ارتقای آگاهی زنان و مردان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، راهکار اصلی را در تجهیز زنان و مردان برای مشارکت در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مانند نهادهای دموکراتیک و تشکل‌های مردمی داشته و بر رفع نگرش‌های تبعیض‌آمیز و تبعیض‌برانگیز تأکید می‌کند. از سویی دیگر درخواست و دیدگاه جنسیتی در تمام ابعاد نظام و سازمان‌ها مدنظر این رویکرد است. این نظریه، حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در اغلب تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر «منابع» است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال می‌باشد و به قول کبیر<sup>1</sup> (2002) از عوامل تعیین‌کننده‌ی توانمندسازی به شمار می‌آید. دومین عنصر «عاملیت» می‌باشد، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت؛ بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به‌ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند. این عنصر معرف اهمیت گفتمان از پایین به بالا نسبت به رویکرد از بالا به پایین است (مالهاترا<sup>2</sup>، 2002: 7). سومین عنصر «دست‌آوردها یا نتایج و پیامدهاست» که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود. دست‌آوردها می‌تواند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دست‌آوردهای پیچیده‌تری مانند خشنود بودن، عزت نفس داشتن، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی را در برگیرد (سن، 1381: 59). با توجه به تعاریف و اجزای توانمندسازی زنان، اصولاً توانمندسازی یک فرآیند محسوب می‌شود، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت (نابرابری جنسیتی) به موقعیت دیگر (برابری جنسیتی) می‌باشد (مالهاترا، 2002: 7). بنابراین می‌توان گفت هر جامعه‌ای که فرصت‌ها و منابع برابری در آموزش، بهداشت و سلامت، شغل و درآمد به زنان و مردان

---

1. Kabeer

2. Malhatra

اختصاص دهد، در واقع به توانمندسازی زنان کمک شایانی نموده است؛ لذا بهبود موقعیت زنان در شاخص‌های توسعه‌ی جنسیتی باعث بهبود موقعیت آنان در شاخص‌های توانمندسازی می‌شود.

### جایگاه زنان در توسعه:

آفن هاور<sup>1</sup> (2005)، در کتاب خود با عنوان، "زنان در جوامع اسلامی: مروری بر ادبیات علمی - اجتماعی"، در باب مشارکت اقتصادی زنان می‌نویسد: در حال حاضر، در اکثر مناطق جهان، زنان نیمی از جمعیت نیروی کار را تشکیل می‌دهند. بر طبق گزارش بانک جهانی از منطقه منا<sup>2</sup>، به طور تقریبی فقط 27 تا 28 درصد زنان از طریق مشارکت در بازار کار دستمزد دریافت می‌کنند. منابع دیگر نرخ مشارکت را در دنیای عرب بین 30 تا 32 درصد اعلام کرده‌اند. اما در همه‌ی این موارد، این نسبت اگرچه در حال افزایش است، پایین‌تر از درصد جهانی و سطح موردانتظار منطقه باتوجه به نسبت باروری، سطوح تحصیلی و ساختار سنی جمعیت زنان است.

نادره شاملو<sup>3</sup> (2006)، در مقاله خود با عنوان "جنسیت، توسعه و قانون در خاورمیانه و شمال آفریقا"، ضمن بررسی اینکه چگونه قوانین و مقررات کاری بر زنان به عنوان دومین بازیگران اقتصادی و همچنین بر نسبت رشد اقتصادی و توسعه در خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر می‌گذارد، از آمارهای بانک جهانی در توسعه‌ی جنسیتی و توسعه‌ی انسانی استفاده کرده است. بر اساس نتایج تحقیق نابرابری جنسیتی همچنان در مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا دسترسی به پیشرفت، رشد اقتصادی، افزایش تعداد مشاغل و کاهش فقر را محدود می‌کند. فعالیت و رشد اقتصادی به وسیله‌ی قواعد و مقررات قدیمی و منسوخ محدود می‌شود و رفتارهای متفاوت با زنان تحت عنوان قانون، هزینه‌های اقتصادی در پی دارد که جامعه هم آن را با اشکال مختلف تحمل کرده است، خانواده از درآمد دومی که به صورت بالقوه است (درآمد زنان)، بهره-

---

1. Offenhauer

2. MENA

3. Nadereh chamlou

مند نمی‌شود، هزینه‌های بیشتری برای تجارت به وجود می‌آید به این دلیل که ایجاد نکردن اشتغال برای نیمی از استعدادها یک جامعه، نوعی به هدر دادن سرمایه است مخصوصاً در مورد زنان تحصیلکرده. از بین بردن این موانع تنها به نفع زنان نیست، زیرا بازارکار را منعطف‌تر خواهد کرد، تنها با بازار کار منعطف می‌توان دسترسی کشورها را به بازار تولید منعطف که برای رقابت جهانی ضروری است، میسر ساخت. در نهایت او پیشنهاد می‌کند که تجدیدنظر حقوقی و قانونی و اصلاحات برای کاهش این نوع هزینه‌ها نیاز است.

موسوی، ودادهیر و برزگر (1389)، در مقاله‌ای با عنوان "توسعه‌ی انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان"، با استفاده از روش تلفیقی کتابخانه‌ای و تحلیل ثانویه و با استفاده از داده‌های بانک جهانی و گزارش‌های توسعه‌ی انسانی سال‌های 1996، 2001، 2006، وضعیت آموزشی زنان را در ارتباط با شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی و سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: میزان فعالیت اقتصادی زنان در کشورهای در حال توسعه از جمله در آسیا و آفریقا پایین‌تر از سایر مناطق می‌باشد. همین‌طور شکاف بین وضعیت آموزشی و وضعیت اشتغال زنان از نیروی کار در همه‌ی کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه و خاورمیانه بیشتر دیده می‌شود. ارتباط بین آموزش زنان و میزان مشارکت سیاسی زنان نشان داد که افزایش میزان تحصیلات زنان تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی آنان ندارد و فضای سیاسی غالباً مردانه است. نتایج همبستگی میان آموزش زنان و شاخص‌های بهداشتی حکایت از این دارد که وضعیت برابری زن و مرد در شاخص‌های بهداشتی و سلامت و کیفیت زندگی در تمام قاره‌ها به جز قاره‌ی آفریقا به طور چشمگیری بهبود یافته است. در نهایت یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشتر موقعیت زنان و توانمندسازی آنان از یک ماهیت نامتجانسی برخوردار است؛ به طوری که توانمندسازی آنان عمدتاً به لحاظ آموزشی و بهداشتی بوده است و اگرچه این بهبود به کمتر شدن شکاف جنسیتی بین زنان و مردان منجر شده است، ولی با این حال موقعیت زنان بر حسب مشارکت اقتصادی و

سیاسی در کشورها و در سطح بین‌المللی تغییرات مهمی را در طی این سال‌ها به دنبال نداشته است. لزوماً بهبود در شاخص‌های آموزشی سبب مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان نمی‌گردد و این عدم تجانس بیانگر آن است که انجام توانمندسازی و حفظ آن در نظام‌های اقتصادی و سیاسی قشربندی‌شده بر حسب جنسیت صورت نگرفته است.

کولایی و حافظیان (1385) در مطالعه‌ی مقایسه‌ای چند موردی خود با عنوان "نقش زنان در توسعه‌ی کشورهای اسلامی" با بررسی وضعیت آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و سیاسی زنان در کشورهای اسلامی به‌ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز در آسیای جنوبی، به این نتیجه رسیدند: زنان در این کشورها از امکان مشارکت گسترده در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار نیستند و این در حالی است که در چند کشور توسعه‌یافته‌تر مسلمان به‌ویژه در جنوب شرق آسیا میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز حضور در مناصب اداره‌کننده‌ی جامعه بسیار مناسب‌تر از وضعیت هم‌تایان آن‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد. از همین رو این جوامع اسلامی از کمک بسیار مهم زنان که می‌توانست به تسهیل توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی این جوامع بینجامد، محروم مانده‌اند. به همین دلیل، این کشورها در زمینه‌ی توسعه، موفقیت‌چندانی تاکنون به دست نیاورده‌اند. در حالی که اندونزی و مالزی که همزمان با آغاز فرایند توسعه‌یافتگی از مشارکت زنان نیز به خوبی بهره‌برداری کرده‌اند، توانسته‌اند موفقیت‌های بسیار بیشتری در زمینه‌ی توسعه به دست آورده‌اند.

## روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش اسنادی، آماری و روش تحلیل ثانویه داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش از داده‌های بانک جهانی انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند که دارای 2 ویژگی باشند:



عضو سازمان کنفرانس اسلامی<sup>1</sup> باشند و حداقل 30% مردم آن کشور مسلمان باشند که در مجموع

شامل 51 کشور<sup>2</sup> می شود. دسته بندی کشورهای مورد مطالعه بر اساس منطقه در جدول 1، آمده است.

جدول 1: دسته بندی کشورهای اسلامی بر اساس منطقه<sup>3</sup>

اروپای مرکزی و شرقی	آلبانی، بوسنی و هرزگوین
آفریقای شمالی	الجزایر، تونس، مراکش، مصر و لیبی
آفریقای مرکزی و جنوبی	سودان، بورکینافاسو، تانزانیا، جیبوتی، چاد، ساحل عاج، سنگال، سومالی، سیرالئون، کومور، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، مالی، موریتانی، نیجر و نیجریه
غرب آسیا	بحرین، فلسطین، لبنان، کویت، سوریه، ترکیه، قطر، اردن، عراق، ایران، یمن، امارات، عمان و عربستان سعودی
شرق آسیا	مالزی، برونی و اندونزی
جنوب آسیا	پاکستان، افغانستان، بنگلادش و مالدیو
آسیای میانه و قفقاز	ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و آذربایجان

اطلاعات آماری این کشورها در زمینه شاخص توسعه انسانی (HDI)، توسعه جنسیتی (GDI)،

شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM)، از طریق گزارش توسعه انسانی<sup>4</sup>، سازمان بانک جهانی، در سال

2009 به دست آمده است. در این مقاله، برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های مربوط به آمارهای

توصیفی و استنباطی از جمله، میانگین و همبستگی پیرسون استفاده شده است.

### توسعه جنسیتی در کشورهای اسلامی:

<sup>1</sup> . OIC (Organization of Islamic Cooperation)

2 . برای بهتر نشان دادن وضعیت زنان در کشورهای اسلامی، وضعیت زنان در مناطق مختلف به تفکیک نشان داده شده

است. و این تفکیک براساس تشابهات فرهنگی، سیاسی و موقعیت جغرافیایی کشورهای انجام شده است

3. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۹، هیچ آماری از کشورهای سومالی و عراق ارائه نشده است.

4. گزارشی است که از سال ۱۹۹۰، سالیانه با ارائه ی یک شعار جهانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) ارائه می شود و در

آن کشورها در شاخص های مختلفی مانند شاخص های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و... مورد

مقایسه قرار می گیرند (سایت ویکی پدی: ۱۳/۹/۱۳۹۱). این شاخص می انگین دستاوردهای یک کشور را در سه شاخص امید

به زندگی در بدو تولد، پیشرفت تحصیلی و تولید ناخالص داخلی سرانه اندازه گیری می کند (Human Development

Report, 2000).

شاخص توسعه‌ی جنسیتی میانگین دستاوردهای یک کشور در سه بعد اساسی 1- زندگی سالم و طولانی که با عنوان امید به زندگی در تولد اندازه‌گیری شده است، 2- دانش که با درصد باسوادی (با دو سوم وزن) و ثبت‌نام در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (با یک سوم وزن) سنجیده شده است و 3- یک استاندارد معقول و مناسب از زندگی، که با GDP (سرانه‌ی توان قدرت خرید) با دلار آمریکا سنجیده می‌شود. (Human Development Report, 2007-2008).

جدول 2: مقادیر هدف برای محاسبه‌ی GDI

شاخص	حداکثر مقدار	حداقل مقدار
امید به زندگی در بدو تولد برای زنان (سال)	87,5	27,5
امید به زندگی در بدو تولد برای مردان (سال)	82,5	22,5
نسبت باسواد بزرگسالان (درصد)	100	0
نسبت ثبت‌نام ناخالص ترکیبی (درصد)	100	0
درآمد تخمینی کسب شده براساس دلار آمریکا	40,000	100

در سال 2009، داده‌های مربوط به توسعه‌ی انسانی در مورد 182 کشور گزارش شده که در این میان آمار 155 کشور در توسعه‌ی جنسیتی موجود است. از بین 49 کشور اسلامی موجود در گزارش توسعه‌ی انسانی، آمارهای 45 کشور در شاخص توسعه‌ی جنسیتی ارائه شده است (کشورهای بوسنی و هرزگوین، مصر، فلسطین و ترکمنستان، در بعضی از ابعاد، آماری ارائه نکرده‌اند) و بالاترین رتبه متعلق به کشور بروئی با رتبه 29 و ارزش 0,906 است و کمترین ارزش شاخص توسعه‌ی جنسیتی مربوط به کشور نیجر با مقدار 0,308 و رتبه‌ی 155 است.

در گروه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی دو کشور اسلامی آلبانی و بوسنی و هرزگوین قرار دارند که کشور بوسنی و هرزگوین در شاخص توسعه‌ی جنسیتی آماری ارائه نداده و کشور آلبانی رتبه‌ی 61 و ارزش 0/814 دارد. در گروه کشورهای آفریقای شمالی از میان پنج کشور اسلامی تونس، مصر،

الجزایر، مراکش و لیبی، کشور مصر آماری ارائه نداده است و از سایر کشورهای اسلامی این منطقه، لیبی با رتبه‌ی 54 و ارزش 0/830 بهترین رتبه و کشور مراکش با رتبه‌ی 111 و ارزش 0/625 بدترین رتبه را داشته‌اند. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی از میان 17 کشور اسلامی، نام کشور سومالی در گزارش ذکر نشده است و در این میان، کومور با رتبه‌ی 117 و ارزش 0/571 بالاترین و نیجر با رتبه‌ی 155 و ارزش 0/308 بدترین رتبه را کسب کرده‌اند. در گروه کشورهای اسلامی غرب آسیا، از مجموع 14 کشور اسلامی، دو کشور عراق و فلسطین آماری ارائه نداده‌اند. و در این میان، بحرین با رتبه‌ی 33 و ارزش 0/895 بهترین رتبه و یمن با رتبه‌ی 122 و ارزش 0/538 بدترین رتبه را دارا می‌باشند. ایران، میانگین بهتری در مقایسه با میانگین کل کشورهای اسلامی داراست؛ میانگین کل کشورهای اسلامی، 0,697 است و ایران ارزش 0,770 را به دست آورده است؛ اما در مقایسه با کشورهای غرب آسیا، و کشورهای همسایه، همچون کویت، قطر، امارات، بحرین، عمان، عربستان، ترکیه، قزاقستان، آذربایجان جایگاه پایین‌تری در شاخص توسعه‌ی جنسیتی دارد؛ میانگین کشورهای غرب آسیا، 0,795 است. ایران تنها نسبت به چند کشور همسایه، همچون افغانستان، پاکستان که در گروه کشورهای با توسعه‌ی پایین قرار دارند، جایگاه بهتری دارد. (کشورهای ترکمنستان و عراق آماری در شاخص توسعه‌ی جنسیتی ارائه نکرده‌اند). در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا که شامل سه کشور برونئی، مالزی و اندونزی می‌باشد، بهترین رتبه را کشور برونئی با رتبه‌ی 29 و ارزش 0/906 دارا می‌باشد و بدترین رتبه متعلق به کشور اندونزی با رتبه‌ی 93 و ارزش 0/726 می‌باشد. در گروه کشورهای اسلامی جنوب آسیا، بهترین رتبه از آن کشور مالدیو با رتبه‌ی 77 و ارزش 0/767 و بدترین رتبه متعلق به کشور افغانستان با رتبه‌ی 154 و ارزش 0/310 می‌باشد. در گروه کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، کشور ترکمنستان آماری ارائه نداده است و از میان سایر کشورهای این منطقه، قزاقستان با رتبه‌ی 66 و ارزش 0/803 بهترین رتبه و تاجیکستان با رتبه‌ی 107 و ارزش 0/686 بدترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. در جدول 3، میانگین شاخص توسعه‌ی جنسیتی در کشورهای اسلامی آمده است.

جدول 3: شاخص توسعه‌ی جنسیتی در کشورهای اسلامی در سال 2009

کشورهای اسلامی	شاخص توسعه‌ی جنسیتی (رتبه)	شاخص توسعه‌ی جنسیتی (ارزش)
کل کشورهای اسلامی	-	0,697
اروپای مرکزی و شرقی	-	0,814
آلبانی	61	0,814
بوسنی و هرزگوین	-	-
آفریقای شمالی	-	0,737
لیبی	54	0,830
الجزایر	88	0,742
تونس	84	0,752
مراکش	111	0,625
مصر	-	-
آفریقای مرکزی و جنوبی	-	0,444
سودان	127	0,516
تانزانیا	125	0,527
نیجریه	133	0,499
سنگال	140	0,457
سیرالئون		
کومور	117	0,571
گامبیا	141	0,452
گینه	143	0,425
جیبوتی	130	0,514
بورکینافاسو	147	0,383
گینه‌ی بیسائو	148	0,381
چاد	149	0,380
ساحل عاج	137	0,468
مالی	153	0,353
موریتانی	128	0,516
نیجر	155	0,308
شرق آسیا	-	0,818
برونئی	29	0,906
مالزی	58	0,823
اندونزی	93	0,726

جدول 3: میانگین شاخص توسعه‌ی جنسیتی در کشورهای اسلامی در سال 2009

کشورهای اسلامی	شاخص توسعه‌ی جنسیتی (رتبه)	شاخص توسعه‌ی جنسیتی (ارزش)
کل کشورهای اسلامی	-	0,697
غرب آسیا	-	0,795
بحرین	33	0,895
کویت	34	0,892
امارات	38	0,878
قطر	35	0,891
عربستان سعودی	60	0,816
عمان	56	0,826
ترکیه	70	0,778
ایران	76	0,770
اردن	87	0,743
لبنان	71	0,784
فلسطین	-	-
سوریه	98	0,715
یمن	122	0,538
آسیای میانه و قفقاز	-	0,736
قزاقستان	66	0,803
آذربایجان	73	0,779
ترکمنستان	-	-
ازبکستان	99	0,708
تاجیکستان	107	0,686
قرقیزستان	100	0,705
جنوب آسیا	-	0,536
مالدیو	77	0,767
پاکستان	124	0,532
بنگلادش	123	0,536
افغانستان	154	0,310

## ابعاد شاخص توسعه‌ی جنسیتی:

### 1- امید به زندگی در بدو تولد:

بیشترین میزان نرخ امید به زندگی (سن) در بین کشورهای اسلامی در سال 2009، متعلق به منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی و کمترین میزان آن متعلق به منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی است و کشورهای اسلامی منطقه‌ی جنوب آسیا بعد از منطقه‌ی آفریقای جنوبی بدترین میانگین را در این شاخص دارد که نشاندهنده‌ی وضعیت نامناسب بهداشتی در این مناطق است. در تمامی مناطق میانگین سنی زنان بیش از مردان بوده است (جدول 4). در بین کشورهای اسلامی، کویت بهترین نرخ امید به زندگی را داراست با 79,8 سال برای زنان و 76 سال برای مردان و نیجر کمترین، با 51,7 سال برای زنان و 50 سال برای مردان. در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، آلبانی وضعیت بهتری دارد، با 79,8 سال برای زنان و 73,4 سال برای مردان. در بوسنی نرخ امید به زندگی زنان و مردان به ترتیب 77,7 سال و 72,4 سال. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین نرخ امید به زندگی متعلق به کشور لیبی است با 76,8 سال برای زنان 71,6 سال برای مردان و مصر کمترین، با 71,7 سال برای زنان و 68,2 سال برای مردان. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی بالاترین نرخ امید به زندگی متعلق به کشور کومور است با 67,2 سال برای زنان و 62,8 سال برای مردان و نیجر کمترین، با 51,7 سال برای زنان و 50 سال برای مردان. در منطقه‌ی غرب آسیا، کویت بهترین نرخ امید به زندگی را داراست با 79,8 سال برای زنان و 76 سال برای مردان و بدترین نرخ امید به زندگی متعلق به یمن است با 64,1 سال برای زنان و 60,9 سال برای مردان. ایران میانگین بهتری نسبت به میانگین کل کشورهای اسلامی دارد، میانگین نرخ امید به زندگی برای کل کشورهای اسلامی در زنان 70,35 سال و در مردان 66,16 سال است؛ اما در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون کویت، امارات، بحرین، قطر، عمان، عربستان و ترکیه جایگاه پایین‌تری دارد که نشاندهنده‌ی وضعیت سلامت و بهداشت نامناسب نسبت به این کشورهاست. میانگین منطقه غرب آسیا در

نرخ امید به زندگی، 75,08 سال برای زنان و 71,80 سال برای مردان است. در ایران نرخ امید به زندگی برای زنان 72,5 سال و 69,9 سال برای مردان است. ایران در شاخص نرخ امید به زندگی، جایگاه بهتری نسبت به بعضی از همسایگانش همچون افغانستان، پاکستان، ترکمنستان و قزاقستان دارد. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، برونئی بالاترین نرخ امید به زندگی را دارد با 79,6 سال برای زنان و 74,1 سال برای مردان و اندونزی کمترین با 72,5 سال برای زنان و 68,5 سال برای مردان. در منطقه جنوب آسیا، بهترین نرخ امید به زندگی متعلق است به کشور مالدیو با 72,7 سال برای زنان و 69,7 سال برای مردان و افغانستان کمترین، با 43,5 سال برای زنان و 42,6 سال برای مردان که نشاندهنده وضعیت نامناسب بهداشت و سلامت در این کشور است. در کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، آذربایجان بهترین نرخ امید به زندگی را دارد با 72,3 سال برای زنان و 67,7 سال برای مردان و کمترین نرخ امید به زندگی متعلق به ترکمنستان است با 68,8 سال برای زنان و 60,6 سال برای مردان.

## 2- تحصیلات:

### 2-1 درصد با سواد بزرگسالان:

بیشترین میزان باسواد بزرگسالان در بین کشورهای اسلامی متعلق به منطقه آسیای میانه و قفقاز است. کشورهای اسلامی اروپای مرکزی و شرقی بعد از آسیای میانه بهترین میانگین باسواد برای بزرگسالان به طور کلی و مردان و زنان را دارد. کمترین میزان باسواد افراد در منطقه آفریقای مرکزی و جنوبی به چشم می‌خورد با 57,7 درصد مردان و 41,3 درصد زنان، همان طور که ملاحظه می‌شود درصد باسواد مردان بسیار بیش از باسواد زنان که نشاندهنده نابرابری جنسیتی در آموزش در این منطقه است. در بین کشورهای اسلامی، قزاقستان و تاجیکستان، هر دو بالاترین درصد باسواد افراد را دارند با 99,5 درصد برای زنان و 99,8 درصد برای مردان و نیجر کمترین درصد باسواد زنان را داراست، تنها 15,1 درصد زنان در این کشور باسواد و مالی کمترین درصد باسواد مردان را دارد با 34,9 درصد.

در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، آلبانی وضعیت بهتری دارد، 98,8 درصد زنان و 99,3 درصد مردان در این کشور باسواد هستند، در بوسنی، زنان 94,4 درصد و مردان 99 درصد باسواد هستند. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین درصد باسوادی متعلق به کشور لیبی است با 78,4 درصد برای زنان و 94,5 درصد برای مردان و مصر کمترین درصد باسوادی را داراست، با 57,8 درصد برای زنان و 74,6 درصد برای مردان که نشان‌دهنده‌ی نابرابری جنسیتی آموزشی در این منطقه است. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی بالاترین درصد باسوادی افراد متعلق به کشور کومور است با 62,8 درصد برای زنان و 80,3 درصد برای مردان و نیجر کمترین درصد باسوادی زنان را داراست، تنها 15,1 درصد زنان در این کشور باسواد هستند (مردان 42,9 درصد باسوادان در این کشور را شامل می‌شوند) و مالی کمترین درصد باسوادی مردان را دارد با 34,9 درصد (زنان در مالی 18,2 درصد باسوادان را تشکیل می‌دهند)، در این منطقه نابرابری جنسیتی در آموزش و به طور کلی وضعیت نامناسب آموزشی مشهود است. در منطقه‌ی غرب آسیا، کویت بهترین درصد باسوادی افراد را داراست با 93,1 درصد برای زنان و 95,2 درصد برای مردان و بدترین درصد باسوادی متعلق به یمن است با 40,5 درصد برای زنان و 77 درصد برای مردان. ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی میانگین بیشتری دارد. میانگین درصد باسوادی بزرگسالان در میان کل کشورهای اسلامی برای زنان 74,39 درصد و برای مردان 84,35 درصد است؛ اما در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون کویت، امارات، بحرین، قطر، عربستان، ترکیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان جایگاه پایین‌تری دارد که نشان‌دهنده‌ی وضعیت تحصیلی نامناسب نسبت به این کشورهاست. میانگین درصد باسوادی بزرگسالان در غرب آسیا 81,31 درصد برای زنان و 90,60 درصد برای مردان است. در ایران درصد باسوادی 77,2 درصد است برای زنان و 87,3 درصد برای مردان. ایران تنها نسبت به دو کشور افغانستان و پاکستان که در گروه کشورهای با توسعه‌ی پایین هستند افراد باسوادی بیشتری دارد. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، برونئی بالاترین درصد باسوادی را دارد با 93,1 درصد برای زنان و



96,5 درصد برای مردان و اندونزی کمترین درصد باسوادی زنان را در این منطقه داراست؛ 88,8 درصد و مالزی کمترین درصد باسوادی مردان را داراست؛ 94,2 درصد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این منطقه وضعیت مناسبی در آموزش دارد. در منطقه‌ی جنوب آسیا، بهترین درصد باسوادی متعلق است به کشور مالدیو با 97,1 درصد برای زنان و 97 درصد برای مردان (در این کشور زنان، بیش از مردان باسواد هستند) و افغانستان کمترین، با 12,6 درصد برای زنان و 43,1 درصد برای مردان که نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامناسب آموزش در این کشور است. در کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، قزاقستان و تاجیکستان، هر دو بالاترین درصد باسوادی افراد را دارند با 99,5 درصد برای زنان و 99,8 درصد برای مردان و کمترین درصد باسوادی افراد متعلق به ازبکستان است؛ با 95,8 درصد برای زنان و 98 درصد برای مردان. در مجموع وضعیت باسوادی افراد در این منطقه، با توسعه‌یافته‌ترین کشورهای جهان برابری می‌کند.

## 2-2 درصد ثبت‌نام ناخالص مردان و زنان در مقاطع سه‌گانه ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان:

بیشترین میزان ثبت‌نام ناخالص در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در کشورهای اسلامی منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز است؛ 78,4 درصد مردان و 77,7 درصد زنان در سه مقطع ثبت‌نام داشته‌اند. کشورهای اسلامی آفریقای شمالی و غرب و شرق آسیا، میانگین نزدیکی با کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز دارند. بدترین میانگین در این شاخص متعلق به منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی است، با 46,2 درصد برای مردان و 37,3 درصد برای زنان. در بین کشورهای اسلامی بالاترین نرخ ثبت‌نام در مقاطع سه‌گانه متعلق به کشور لیبی است با 98,5 درصد برای زنان و 93,1 درصد برای مردان و نیجر کمترین نرخ ثبت‌نام در مقاطع سه‌گانه را داراست، با 21,9 درصد زنان و 29 درصد برای مردان.

در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، در این شاخص، بوسنی آماری ارائه نداده است و در آلبانی، 67,7 درصد زنان و 68 درصد مردان در سه مقطع ثبت‌نام کرده‌اند. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین نرخ ثبت‌نام در مقاطع سه‌گانه متعلق به کشور لیبی است با 98,5 درصد برای زنان و 93,1 درصد

برای مردان و مراکش کمترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه را داراست، با 55,1 درصد برای زنان و 64 درصد برای مردان که نشان دهنده ی نابرابری جنسیتی آموزشی در این کشور است. در منطقه ی آفریقای مرکزی و جنوبی بالاترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه متعلق به کشور تانزانیاست با 56,2 درصد برای زنان و 58,4 درصد برای مردان و نیجر کمترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه را داراست، با 21,9 درصد زنان و 29 درصد برای مردان، در این منطقه نابرابری جنسیتی در آموزش و به طور کلی وضعیت نامناسب آموزشی مشهود است. در منطقه ی غرب آسیا، بحرین بهترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه را داراست با 95,3 درصد برای زنان و 85,8 درصد برای مردان (زنان وضعیت بهتری در این شاخص نسبت به مردان دارند). بدترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه متعلق به یمن است با 42,3 درصد برای زنان و 65,9 درصد برای مردان. ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی میانگین بیشتری دارد. میانگین ثبت نام ناخالص در مقاطع سه گانه در میان کل کشورهای اسلامی برای زنان 65,19 درصد و برای مردان 67,31 درصد است؛ اما نسبت به بعضی از کشورهای همسایه همچون امارات، بحرین، قطر، عربستان و قزاقستان جایگاه پایین تری دارد که نشان دهنده ی وضعیت تحصیلی نامناسب نسبت به این کشورهاست. میانگین ثبت نام در مقاطع سه گانه در غرب آسیا 75,50 درصد برای زنان و 73,02 درصد برای مردان است. در ایران در ایران نرخ ثبت نام ناخالص در مقاطع سه گانه 73 درصد است برای زنان و 73,4 درصد برای مردان. تفاوت اندکی میان ایران و کشورهای غرب آسیا در شاخص ثبت نام ناخالص در مقاطع سه گانه وجود دارد. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، برونئی بالاترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه را دارد با 79,1 درصد برای زنان و 76,5 درصد برای مردان و اندونزی کمترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه را در این منطقه داراست؛ با 66,8 درصد برای زنان و 69,5 درصد برای مردان. در منطقه ی جنوب آسیا، بهترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه متعلق است به کشور مالدیو با 71,4 درصد برای زنان و 71,3 درصد برای مردان و پاکستان کمترین، با 34,4 درصد برای زنان و 43,9 درصد برای مردان که نشان دهنده ی وضعیت نامناسب آموزش در این کشور

است. در کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، قزاقستان بالاترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه را دارد با 95,1 درصد برای زنان و 87,7 درصد برای مردان و کمترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه برای زنان متعلق به تاجیکستان است؛ با 64,6 درصد و کمترین نرخ ثبت نام در مقاطع سه گانه برای مردان متعلق به ازبکستان است؛ با 71,4 درصد.

### 3- درآمد کسب شده توسط مردان و زنان:

با توجه به درآمد کسب شده توسط مردان و زنان می توان گفت کمترین اختلاف میان دو جنس از آن مناطق آسیای میانه و قفقاز است. کشورهای اسلامی اروپای مرکزی و شرقی، آفریقای مرکزی و جنوبی و شرق آسیا مانند منطقه ی آسیای میانه و قفقاز کمترین اختلاف درآمد میان مردان و زنان را داشته اند؛ مردان بیش از 1,5 برابر زنان درآمد کسب کرده اند. نکته ی جالب توجه این است که کشورهای اسلامی آفریقای مرکزی و جنوبی کمترین تبعیض جنسیتی در درآمد را با وجود کمترین درآمد سرانه ی ملی داشتند. بیشترین اختلاف درآمد میان دو جنس متعلق به منطقه ی غرب آسیا است؛ مردان بیش از 3,5 برابر زنان درآمد کسب کردند. آفریقای شمالی بعد از غرب آسیا بیشترین نابرابری جنسیتی در درآمد را دارد. کشورهای اسلامی جنوب آسیا با کمی تفاوت بعد از این دو منطقه بیشترین اختلاف میانگین درآمد میان دو جنس را داراست؛ یعنی 2,5 برابر درآمد مردان نسبت به زنان. در مجموع در تمامی کشورهای اسلامی مردان بیش از زنان درآمد داشته که نشان دهنده ی نابرابری جنسیتی در این شاخص است. در بین کشورهای اسلامی، قطر بالاترین درآمد کسب شده توسط مردان را داراست با 88,264 دلار و برونئی بالاترین درآمد کسب شده توسط زنان را دارد با 36,838 دلار و گینه بیسائو کمترین درآمد کسب شده توسط مردان و زنان را داراست، با 0,301 دلار برای زنان و 0,685 دلار برای مردان.

در منطقه ی اروپای مرکزی و شرقی، در این شاخص، بوسنی وضعیت بهتری دارد با 5,910 دلار برای زنان و 9,721 دلار برای مردان و در آلبانی، 4,954 دلار برای زنان و 9,143 دلار برای مردان. در گروه

کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان متعلق به کشور لیبی است با 5,590 دلار برای زنان و 22,505 دلار برای مردان (مردان تقریباً 4 برابر زنان درآمد کسب کرده‌اند) و مراکش کمترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان را داراست، با 1,603 دلار برای زنان و 6,694 دلار برای مردان (مردان بیش از 4 برابر زنان درآمد کسب کرده‌اند) که نشان‌دهنده‌ی نابرابری جنسیتی در درآمد در این منطقه است. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی بالاترین درآمد کسب‌شده توسط زنان متعلق به کشور جیبوتی است با 1,496 دلار برای زنان و بالاترین درآمد کسب‌شده توسط مردان متعلق به کشور سودان است با 3,119 دلار و گینه بیسائو کمترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان را داراست، با 0,301 دلار برای زنان و 0,685 دلار برای مردان. در منطقه‌ی غرب آسیا، کویت بالاترین درآمد کسب‌شده توسط زنان را داراست با 24,772 دلار و قطر بالاترین درآمد کسب‌شده توسط مردان را داراست با 88,264 دلار. بدترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان متعلق به یمن است با 0,921 دلار برای زنان و 3,175 دلار برای مردان (در این منطقه مردان بیش از 3 برابر زنان درآمد کسب کرده‌اند). ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی میانگین بیشتری در درآمد کسب‌شده توسط مردان دارد و میانگین درآمد کسب‌شده برای زنان برای هر دو گروه کشورهای اسلامی و ایران تقریباً یکسان است (در ایران، میانگین درآمد کسب‌شده برای زنان کمی کمتر از کل کشورهای اسلامی است). میانگین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان در میان کل کشورهای اسلامی برای زنان 5,83 دلار و برای مردان 13,85 دلار است (اختلاف درآمد میان دو جنس در کل کشورهای اسلامی بیش از 2 برابر است)؛ اما در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون کویت، امارات، بحرین، قطر، عمان، عربستان، ترکیه و قزاقستان جایگاه پایین‌تری دارد که نشان‌دهنده‌ی وضعیت اقتصادی و مالی نامناسب نسبت به این کشورهاست. میانگین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان در غرب آسیا 10,41 دلار برای زنان و 35 دلار برای مردان است. کشورهای غرب آسیا تقریباً 2 برابر ایران درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان داشته‌اند. در ایران درآمد کسب‌شده توسط زنان 5,304

دلار است برای زنان و 16,449 دلار برای مردان، و همانند سایر کشورهای این منطقه، در ایران نیز مردان بیش از 3 برابر زنان درآمد داشته‌اند. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، برونئی بالاترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان را دارد با 36,838 دلار برای زنان و 62,631 دلار برای مردان و اندونزی کمترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان را در این منطقه داراست؛ با 2,263 دلار برای زنان و 5,163 دلار برای مردان. (در این مناطق درآمد مردان 1,5 تا 2 برابر زنان است). در منطقه‌ی جنوب آسیا، بهترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان متعلق است به کشور مالدیو با 3,597 دلار برای زنان و 6,714 دلار برای مردان و افغانستان کمترین، با 0,442 دلار برای زنان و 1,845 دلار برای مردان. در کشورهای اسلامی آسیای

میانه و قفقاز، قزاقستان بالاترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان را دارد با 8,831 دلار برای زنان و 13,080 دلار برای مردان و کمترین درآمد کسب‌شده توسط مردان و زنان متعلق به تاجیکستان است با 1,385 دلار برای زنان و 2,126 دلار برای مردان.

جدول 4: شاخص‌های متفاوت توسعه‌ی جنسیتی در سال 2009 در

کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی		نرخ امید به زندگی		میزان باسوادی بزرگسالان (%)		ثبت‌نام ناخالص در تحصیلات (%)		درآمد کسب شده	
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
اروپای مرکزی و شرقی		72.90	78.75	99.15	96.60	68.00	67.60	9.43	5.43
آلبانی		73,4	79,8	99,3	98,8	68,0	67,6	9,143	4,954
بوسنی و هرزگه گوین		72,4	77,7	99,0	94,4	-	-	9,721	5,910
آفریقای شمالی		70.24	74.28	81.70	62.96	75.87	76.75	12.13	3.36
لیبی		71,6	76,8	94,5	78,4	93,1	98,5	22,505	5,590
الجزایر		70,8	73,6	84,3	66,4	72,8	74,5	11,331	4,081
تونس		71,8	76,0	86,4	69,0	73,6	78,9	11,731	3,249
مراکش		68,8	73,3	68,7	43,2	64,0	55,1	6,694	1,603
مصر		68,2	71,7	74,6	57,8	-	-	8,401	2,286
آفریقای مرکزی و جنوبی		52.25	54.96	57.71	41.36	46.26	37.39	1.76	.928
سودان		56,3	59,4	71,1	51,8	42,2	37,6	3,119	1,039
تانزانیا		54,2	55,8	79,0	65,9	58,4	56,2	1,394	1,025
نیجریه		47,2	48,2	80,1	64,1	57,9	48,1	2,777	1,163
سنگال		53,9	56,9	52,3	33,0	43,3	39,0	2,157	1,178
سیرالئون		46,0	48,5	50,0	26,8	51,7	37,6	783	577
کومور		62,8	67,2	80,3	69,8	50,4	42,3	1,446	839
گامبیا		54,1	57,3	49,9	35,4	46,4	47,2	1,499	951
گینه		55,3	59,3	42,6	18,1	56,9	41,5	1,356	919
جیبوتی		53,7	56,5	-	-	29,0	21,9	2,627	1,496
بورکینافاسو		51,4	54,0	36,7	21,6	36,3	29,2	1,354	895
گینه‌ی بیسائو		46,0	49,1	75,1	54,4	44,5	28,8	658	0,301
چاد		47,3	49,9	43,0	20,8	45,5	27,5	1,739	1,219
ساحل عاج		55,7	58,3	60,8	38,6	43,7	31,3	2,500	0,852
مالی		47,4	48,8	34,9	18,2	51,0	37,5	1,517	0,672
موریتانی		54,7	58,5	63,3	48,3	50,7	50,5	2,439	1,405
نیجر		50,0	51,7	42,9	15,1	32,3	22,1	929	318
شرق آسیا		71.7 6	76.23	95.30	90.50	71.93	73.00	28.89	15.69
برونئی		74,9	79,6	96,5	93,1	76,5	79,1	62,631	36,838
مالزی		71,9	76,6	94,2 <sup>۲۲</sup>	89,6	69,8	73,1	18,886	7,972
اندونزی		68,5	72,5	95,2	88,8	69,5	66,8	5,163	2,263

جدول 4: شاخص‌های متفاوت توسعه‌ی جنسیتی در سال 2009 در

کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی		نرخ امید به زندگی		میزان باسوادی بزرگسالان (%)		ثبت‌نام ناخالص در تحصیلات (%)		درآمد کسب شده	
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
غرب آسیا	75.08	71.80	81.31	90.60	81.31	73.02	75.50	35.00	10.41
بحرین	77,4	74,2	86,4	90,4	86,4	85,8	95,3	39,060	19,873
کویت	79,8	76,0	93,1	95,2	93,1	67,8	77,8	68,673	24,772
امارات	78,7	76,6	91,5	89,5	91,5	65,4	78,7	67,556	18,361
قطر	76,8	74,8	90,4	93,8	90,4	74,2	87,7	88,264	24,584
عربستان سعودی	75,1	70,8	79,4	89,1	79,4	79,1	78,0	36,662	5,987
عمان	77,3	74,1	77,5	89,4	77,5	68,1	68,3	32,797	7,697
ترکیه	74,2	69,4	81,3	96,2	81,3	75,7	66,3	20,441	5,352
ایران	72,5	69,9	77,2	87,3	77,2	73,4	73,0	16,449	5,304
اردن	74,3	7,07	87,0	95,2	87,0	77,5	79,9	8,065	1,543
لبنان	74,1	69,8	86,0	93,4	86,0	75,7	80,3	16,404	4,062
فلسطین	74,9	71,7	90,3	97,2	90,3	75,9	80,8	-	-
سوریه	76,0	72,2	76,5	89,7	76,5	67,5	63,9	7,452	1,512
یمن	64,1	60,9	40,5	77,0	40,5	65,9	42,3	3,715	921
آسیای میانه و قفقاز	70.65	63.23	98.73	99.43	98.73	78.47	77.70	6.22	3.66
قزاقستان	71,2	59,1	99,5	99,8	99,5	87,8	95,1	13,080	8,831
آذربایجان	72,3	67,6	99,2	99,8	99,2	-	-	11,037	4,836
ترکمنستان	68,8	60,6	99,3	99,7	99,3	-	-	5,545	3,594
ازبکستان	70,9	64,5	95,8	98,0	95,8	74,0	71,4	2,964	1,891
تاجیکستان	69,3	63,7	99,5	99,8	99,5	77,2	64,6	2,126	1,385
قرقیزستان	71,4	63,9	99,1	99,5	99,1	74,9	79,7	2,600	1,428
جنوب آسیا	62.35	60.97	49.32	66.62	49.32	57.65	48.42	3.58	1.40
مالدیو	72,7	69,7	97,1	97,0	97,1	71,3	71,4	6,714	3,597
پاکستان	66,5	65,9	39,6	67,7	39,6	43,9	34,4	4,135	760
بنگلادش	66,7	64,7	48,0	58,7	48,0	51,8	52,5	1,633	830
افغانستان	43,5	43,6	12,6	43,1	12,6	63,6	35,4	1,845	442
کل کشورهای اسلامی	70,32	66,16	74,39	84,35	74,39	67,31	65,19	6.22	3.66

## توانمندسازی جنسیتی در کشورهای اسلامی

این شاخص با استفاده از سه معرف سنجیده می‌شود: الف) تعداد زنان در بین نمایندگان مجلس، ب) میزان شرکت زنان در مشاغل مدیریتی، حرفه‌ای و تکنیکی، ج) قدرت مالی زنان که بیانگر برآورد تخمینی از درآمد زنان نسبت به مردان است. این معرف‌ها، روی هم اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که قدرت استفاده‌ی زنان از ظرفیت‌های یک کشور را مشخص می‌کند (باستانی: 1383).

در سال 2009، در بین آمارهای توسعه‌ی انسانی مربوط به 182 کشور، آمار 109 کشور در شاخص توانمندسازی جنسیتی موجود است، در این میان، از 49 کشور اسلامی، تنها 20 کشور در شاخص توانمندسازی جنسیتی آمار ارائه کرده‌اند و بالاترین رتبه متعلق به امارات با ارزش 0,691 و رتبه‌ی 25 و بدترین، متعلق به کشور یمن با رتبه‌ی 109 و ارزش 0,135 است.

در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، هیچ یک از دو کشور اسلامی آلبانی و بوسنی و هرزگوین آماری در شاخص توانمندسازی جنسیتی ارائه نداده‌اند. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی، از بین 17 کشور اسلامی موجود، تنها کشور تانزانی‌ا به ارائه‌ی آمار پرداخته با رتبه‌ی 69 و ارزش 0/539. در منطقه‌ی آفریقای شمالی، از 5 کشور اسلامی این منطقه کشورهای تونس و لیبی گزارشی ارائه نداده‌اند و از میان سه کشور دیگر، مراکش بالاترین رتبه را با ارزش 0/318 و رتبه 104 از آن خود نموده است و بدترین رتبه متعلق به مصر با رتبه‌ی 107 و ارزش 0/287 است. در منطقه‌ی غرب آسیا، از 14 کشور اسلامی موجود در این منطقه، کشورهای عراق، فلسطین، لبنان، کویت، سوریه و اردن گزارشی ارائه نداده‌اند. در این میان کشور امارات با رتبه‌ی 25 و ارزش 0/691 بالاترین رتبه و یمن با رتبه‌ی 109 و ارزش 0/135 بدترین رتبه را داشته‌اند. ایران، میانگین بدتری در مقایسه با میانگین کل کشورهای اسلامی داراست؛ میانگین کل کشورهای اسلامی، 0,371 است و ایران ارزش 0,331 را به دست آورده است؛ همچنین در مقایسه با کشورهای غرب آسیا و کشورهای همسایه همچون، قطر، امارات، بحرین، عمان، ترکیه، قزاقستان، آذربایجان، پاکستان جایگاه



پایین‌تری در شاخص توسعه‌ی جنسیتی دارد؛ میانگین کشورهای غرب آسیا، 0,795 است. ایران تنها نسبت به کشورهای عربستان و یمن جایگاه بهتری دارد. (کشورهای کویت، افغانستان، ترکمنستان و عراق آماری در شاخص توسعه‌ی جنسیتی ارائه نکرده‌اند). در منطقه‌ی شرق آسیا، از بین 3 کشور اسلامی، کشور برونئی آماری ارائه نداده است و بالاترین رتبه متعلق به کشور مالزی با رتبه‌ی 68 و ارزش 0/542 و بدترین رتبه را اندونزی با رتبه‌ی 96 و ارزش 0/408 کسب کرده‌اند. گروه کشورهای جنوب آسیا شامل 4 کشور اسلامی مالدیو، افغانستان، پاکستان و بنگلادش می‌باشد که افغانستان آماری ارائه نداده است و از میان سایر کشورهای اسلامی این منطقه، مالدیو با رتبه‌ی 90 و ارزش 0/429 بالاترین رتبه و بنگلادش با رتبه‌ی 108 و ارزش 0/264 بدترین رتبه را کسب نموده‌اند. در منطقه‌ی آسیای میانه، بالاترین رتبه از آن کشور قزاقستان با رتبه‌ی 56 و ارزش 0/532 و پایین‌ترین رتبه از آن کشور آذربایجان با رتبه‌ی 100 و ارزش 0/385 است و کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان آماری ارائه نداده‌اند.

جدول 5: شاخص توانمندسازی جنسیتی در کشورهای اسلامی در سال 2009

کشورهای اسلامی	شاخص توانمندسازی (رتبه)	شاخص توانمندسازی (ارزش)
کل کشورهای اسلامی	-	0,371
اروپای مرکزی و شرقی	-	-
آلبانی	-	-
بوسنی و هرزگوین	-	-
آفریقای شمالی	-	0,306
لیبی	-	-
الجزایر	105	0,315
تونس	-	-
مراکش	104	0,318
مصر	107	0,287
آفریقای مرکزی و جنوبی	-	0,539
سودان	-	-
تانزانیا	69	0,539
نیجریه	-	-
سنگال	-	-
سیرالئون	-	-
کومور	-	-
گامبیا	-	-
گینه	-	-
جیبوتی	-	-
بورکینافاسو	-	-
گینه‌ی بیسائو	-	-
چاد	-	-
ساحل عاج	-	-
مالی	-	-
موریتانی	-	-
نیجر	-	-
شرق آسیا	-	0,475
برونئی	-	-
مالزی	68	0,542
اندونزی	96	0,408

جدول 5: شاخص توانمندسازی جنسیتی در کشورهای اسلامی در سال 2009

کشورهای اسلامی	شاخص توانمندسازی (رتبه)	شاخص توانمندسازی (ارزش)
کل کشورهای اسلامی	-	0,371
غرب آسیا	-	0,422
بحرین	46	0,605
کویت	-	-
امارات	25	0,691
قطر	88	0,445
عربستان سعودی	106	0,299
عمان	87	0,453
ترکیه	101	0,379
ایران	103	0,331
اردن	-	-
لبنان	-	-
فلسطین	-	-
سوریه	-	-
یمن	109	0,135
آسیای میانه و قفقاز		0,497
قزاقستان	73	0,532
آذربایجان	100	0,385
ترکمنستان	-	-
ازبکستان	-	-
تاجیکستان	-	-
قرقیزستان	56	0,575
جنوب آسیا	-	0,359
مالدیو	90	0,429
پاکستان	99	0,386
بنگلادش	108	0,264
افغانستان	-	-

## ابعاد شاخص توانمندسازی جنسیتی

### 1- برآورد تخمینی از درآمد زنان نسبت به مردان:

در شاخص برآورد تخمینی از درآمد زنان نسبت به مردان منطقه‌ی شرق آسیا بیشترین میانگین را دارد، بدترین میانگین متعلق به کشورهای منطقه‌ی غرب آسیاست. که نشان‌دهنده‌ی نابرابری جنسیتی بسیار بالا در درآمد در این منطقه است (جدول 6). جنوب آسیا و آفریقای شمالی مناطقی هستند که بعد از غرب آسیا میانگین پایینی در این شاخص دارند. در مجموع در تمامی مناطق زنان نسبت به مردان درآمد پایین‌تری دارند. کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز با 59 درصد بهترین میانگین را در این شاخص به خود اختصاص داده است. بدترین میانگین متعلق به کشورهای منطقه‌ی غرب آسیاست با 27 درصد که نشان‌دهنده‌ی نابرابری جنسیتی بسیار بالا در درآمد در این منطقه است. جنوب آسیا و آفریقای شمالی مناطقی هستند که بعد از غرب آسیا میانگین پایینی در این شاخص دارند. در بین کشورهای اسلامی، سیرالئون و تانزانیا بالاترین درآمد زنان نسبت به مردان را دارند با 0,74 درصد و کمترین درآمد زنان نسبت به مردان متعلق به عربستان سعودی است با 0,16 درصد.

در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، در این شاخص، بوسنی جایگاه بهتری دارد با 0,61 درصد و در آلبانی، زنان 0,54 درصد مردان درآمد داشته‌اند. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین درصد درآمد زنان نسبت به مردان متعلق به کشور الجزایر است با 0,36 درصد و مراکش بدترین با 0,24 درصد. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی بالاترین درصد درآمد زنان نسبت به مردان متعلق به کشورهای تانزانیا و سیرالئون است با 0,74 درصد و نیجر کمترین با 0,34 درصد زنان. در منطقه‌ی غرب آسیا، بحرین بهترین درصد درآمد زنان نسبت به مردان را داراست با 0,55 درصد، بدترین درصد درآمد زنان نسبت به مردان متعلق به عربستان سعودی است با 0,16 درصد. در این گروه، فلسطین آماری در این شاخص ارائه نکرده است. در ایران درآمد زنان نسبت به مردان، 0,23 درصد است. ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی

میانگین کمتری در درآمد زنان نسبت به مردان دارد. میانگین کل کشورهای اسلامی 0,27 درصد است. در ایران، درآمد زنان نسبت به مردان 0,23 درصد است. همچنین در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون کویت، امارات، بحرین، قطر، ترکیه، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و حتی افغانستان، جایگاه پایین‌تری دارد که نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامناسب اقتصادی و مالی زنان نسبت به این کشورهاست. درآمد زنان نسبت به مردان در غرب آسیا 0,27 درصد است. ایران تنها نسبت به کشورهای عربستان، پاکستان وضعیت بهتری در این شاخص دارد. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، برونئی بالاترین درآمد زنان نسبت به مردان را دارد؛ 0,59 درصد و مالزی کمترین؛ 0,42 درصد. در منطقه‌ی جنوب آسیا، بهترین نرخ ثبت‌نام در مقاطع سه‌گانه متعلق است به کشور مالدیو با 0,54 درصد و پاکستان کمترین، با 0,18 درصد. در کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، قزاقستان بالاترین درآمد زنان نسبت به مردان را دارد با 0,68 درصد و کمترین نرخ ثبت‌نام در مقاطع سه‌گانه برای زنان متعلق به آذربایجان است؛ با 0,44 درصد.

## 2- مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی:

بهترین میانگین شاخص حضور زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی به منطقه‌ی متعلق به منطقه‌ی اسلامی آسیای میانه و قفقاز با 60,6 درصد. بدترین میانگین متعلق به کشورهای اسلامی آفریقای جنوبی و مرکزی است با 27,7 درصد. در بین کشورهای اسلامی، قزاقستان بالاترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی را دارد با 67 درصد و کمترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی متعلق به یمن است با 15 درصد.

در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، در این شاخص، هیچ‌یک از دو کشور بوسنی و آلبانی، آماری ارائه ندادند. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی متعلق به کشور الجزایر و مراکش است با 35 درصد و بدترین متعلق است به مصر، با 32 درصد. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی از 17 کشور اسلامی، تنها آمار کشور تانزانیاست موجود است با 38

درصد. در منطقه‌ی غرب آسیا، بحرین بهترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی را داراست با 40 درصد، و بدترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی متعلق به یمن است با 15 درصد. (کشورهای کویت و لبنان آماری در این شاخص ارائه ندادند). ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی میانگین کمتری در مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی دارد. میانگین کل کشورهای اسلامی 39,07 درصد است. در ایران، مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی 34 درصد است. اما در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون، امارات، بحرین، قطر، عربستان، ترکیه، عمان، پاکستان، جایگاه بهتری دارد. مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی در غرب آسیا 27,77 درصد است. کشورهای قزاقستان و آذربایجان جایگاه بهتری در این شاخص نسبت به ایران دارند. کشورهای کویت، افغانستان، ترکمنستان هیچ آماری ارائه نکرده‌اند. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، اندونزی بالاترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی را دارد؛ 48 درصد و بروئی کمترین؛ 37 درصد. در منطقه‌ی جنوب آسیا، بهترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی متعلق است به کشور مالدیو با 49 درصد و بنگلادش کمترین، با 22 درصد. در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، قزاقستان بالاترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی را دارد با 67 درصد و کمترین درصد مشارکت زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی متعلق به آذربایجان است؛ با 53 درصد.

## 2- زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد:

بهترین میانگین شاخص زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد متعلق کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز با 26 درصد. بدترین میانگین متعلق به منطقه‌ی غرب آسیاست با 9,5 درصد. با اینکه غالب کشورهای این گروه توسعه‌یافته و یا دارای توسعه‌ی انسانی بالا هستند، میانگین پایین‌تری در شاخص زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران، نسبت به کشورهای اسلامی آفریقای مرکزی و جنوبی که غالباً

از کشورهای با توسعه‌ی انسانی کم هستند، دارند. در مجموع تمامی مناطق میانگین پایینی در این شاخص دارند (کمتر از 20 درصد) که نابرابری جنسیتی در این شاخص را نشان می‌دهد. در بین کشورهای اسلامی، قزاقستان بالاترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد را دارد با 38 درصد و کمترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد متعلق به پاکستان است با 3 درصد.

در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، در این شاخص، هیچ‌یک از دو کشور بوسنی و آلبانی، آماری ارائه نداده‌اند. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد متعلق به کشور مراکش است با 12 درصد و کمترین متعلق است به الجزایر، با 5 درصد. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی از 17 کشور اسلامی، تنها آمار کشور تانزانیاست موجود است با 16 درصد. در منطقه‌ی غرب آسیا، بحرین و ایران هر دو، بالاترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد را دارا هستند با 13 درصد، و بدترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد متعلق به یمن است با 4 درصد. (کشورهای کویت و لبنان، اردن و سوریه آماری در این شاخص ارائه نداده‌اند). ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی میانگین کمتری در درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد دارد. میانگین کل کشورهای اسلامی 15,63 درصد است. در ایران، درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد 13 درصد است. اما در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون، امارات، قطر، ترکیه، عمان، عربستان، پاکستان، جایگاه بهتری دارد. درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد در غرب آسیا 9,5 درصد است. تنها کشور قزاقستان جایگاه بهتری در این شاخص نسبت به ایران دارند با 38 درصد. کشورهای کویت، افغانستان، ترکمنستان هیچ آماری ارائه نکرده‌اند. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، برونئی بالاترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد را دارد؛ 35 درصد و اندونزی کمترین؛ 14 درصد. در منطقه‌ی جنوب آسیا، بالاترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد متعلق است به کشور مالدیو با 14 درصد و

پاکستان کمترین، با 3 درصد. (در این گروه افغانستان، آماری ارائه نکرده است). در کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، قزاقستان بالاترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد را دارد با 38 درصد و کمترین درصد زنان قانونگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران ارشد متعلق به آذربایجان است؛ با 5 درصد. در مجموع تمامی مناطق میانگین پایینی در این شاخص دارند (کمتر از 20 درصد) که نشان می‌دهد مدیریت در این کشورها، غالباً مردانه است و نابرابری جنسیتی در سطوح بالای تصمیم‌گیری کشورها، بسیار مشهود است.

### 3- حضور زنان در مجلس

منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز بالاترین میانگین در این شاخص را دارند، 17 درصد. کشورهای اسلامی شرق آسیا نزدیک‌ترین میانگین را به برترین منطقه دارند. بدترین میانگین در شاخص حضور زنان در مجلس متعلق به منطقه‌ی غرب آسیا است؛ 7,1 درصد. کشورهای اسلامی آفریقای شمالی بعد از منطقه‌ی غرب آسیا بدترین میانگین را در شاخص حضور زنان در مجلس دارند؛ غالب کشورهای این دو منطقه نفت‌خیز هستند. نکته‌ی جالب توجه میانگین‌های کشورهای جنوب آسیا همچون افغانستان، پاکستان است که بالاتر از مناطق توسعه‌یافته‌تری همچون آفریقای شمالی، غرب آسیا، و حتی شرق آسیاست که علت آن را می‌توان عضویت این کشورها در سیستم سهمیه برای زنان<sup>1</sup> دانست. در بین کشورهای اسلامی، بالاترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق است به تانزانیا با 30 درصد و کمترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق به عربستان سعودی و قطر است با 0 درصد.

---

<sup>1</sup> هدف سیستم سهمیه، تضمین کردن یک اقلیت قابل تأمل (30 تا 40 درصد) از زنان در پارلمان کشورهاست، امروزه زنان 16 درصد از اعضای پارلمان را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند (Human Development Report, 2009: 189).



در منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی، بوسنی، بالاترین حضور زنان در مجلس را دارد با 12 درصد. آلبانی جایگاه پایین‌تری دارد؛ و تنها 7 درصد زنان در این کشور در مجلس حضور دارند. در گروه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی، بالاترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق به کشور تونس است با 20 درصد و کمترین متعلق است به مصر، با 4 درصد. در منطقه‌ی آفریقای مرکزی و جنوبی، بالاترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق است به تانزانیا با 30 درصد و کمترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق است به کشور چاد با 3 درصد (در این گروه، کشور گینه، آماری ارائه نکرده است). در منطقه‌ی غرب آسیا، امارات، بالاترین درصد حضور زنان در مجلس را دارا هستند با 23 درصد، و بدترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق به عربستان سعودی و قطر است با 0 درصد. (کشور فلسطین در این شاخص آماری ارائه نکرده است). ایران، در مقایسه با کل کشورهای اسلامی میانگین کمتری در درصد حضور زنان در مجلس دارد. میانگین کل کشورهای اسلامی 12,53 درصد است. در ایران، درصد حضور زنان در مجلس تنها 3 درصد است. همچنین در منطقه‌ی غرب آسیا و نسبت به کشورهای همسایه همچون، امارات، بحرین، ترکیه، عمان، پاکستان، قزاقستان، آذربایجان و افغانستان جایگاه پایین‌تری دارد. درصد حضور زنان در مجلس در غرب آسیا، 7,09 درصد است. تنها کشورهای قطر و عربستان با 0 درصد جایگاه پایین‌تری در این شاخص نسبت به ایران دارند. کشور ترکمنستان هیچ آماری ارائه نکرده است. در گروه کشورهای اسلامی شرق آسیا، مالزی بالاترین درصد حضور زنان در مجلس را دارد؛ 15 درصد و اندونزی کمترین؛ 12 درصد. (برونئی آمار ارائه نکرده است). در منطقه‌ی جنوب آسیا، بالاترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق است به کشور افغانستان با 26 درصد و بنگلادش کمترین، با 6 درصد. در کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز، قرقیزستان، بالاترین درصد حضور زنان در مجلس را دارد با 26 درصد و کمترین درصد حضور زنان در مجلس متعلق به آذربایجان است؛ با 11 درصد. مجموع می‌توان گفت در تمامی کشورهای

اسلامی، درصد حضور زنان در مجلس پایین است که نشاندهنده‌ی مردانه بودن سیاست در این کشورها و نابرابری جنسیتی بسیار بالا در عرصه‌ی سیاست است.

جدول 6: شاخص‌های متفاوت توانمندسازی جنسیتی در سال 2009 در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	میزان حضور زنان در مجلس	زنان قانونگذار، مدیران و مقامات ارشد	حضور زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی	برآورد تخمینی از درآمد زنان نسبت به مردان
اروپای مرکزی و شرقی	9.50	-	-	0,57
آلبانی	7	-	-	0,54
بوسنی و هرزگوین	12	-	-	0,61
آفریقای شمالی	8.80	9,33	34.00	.28
لیبی	8	-	-	0,25
الجزایر	6	5	35	0,36
تونس	20	-	-	0,28
مراکش	6	12	35	0,24
مصر	4	11	32	0,27
آفریقای مرکزی و جنوبی	13.53	16.00	38.00	.54
سودان	17	-	-	0,33
تانزانیا	30	16	38	0,74
نیجریه	7	-	-	0,42
سنگال	29	-	-	0,55
سیرالئون	13	-	-	0,74
کومور	3	-	-	0,58
گامبیا	9	-	-	0,63
گینه	-	-	-	0,68
جیبوتی	14	-	-	0,57
بورکینافاسو	15	-	-	0,66
گینه‌ی بیسائو	10	-	-	0,46
چاد	5	-	-	0,70
ساحل عاج	9	-	-	0,34
مالی	10	-	-	0,44
موریتانی	20	-	-	0,58
نیجر	12	-	-	0,34
شرق آسیا	13.50	24.00	42.00	.48
برونئی	-	35	37	0,59
مالزی	15	23	41	0,42
اندونزی	12	14	48	0,44

جدول 6: شاخص‌های متفاوت توانمندسازی جنسیتی در سال 2009 در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	میزان حضور زنان در مجلس	زنان قانونگذار، مدیران و مقامات ارشد	حضور زنان در مشاغل حرفه‌ای و تکنیکی	برآورد تخمینی از درآمد زنان نسبت به مردان
غرب آسیا	7.09	-	27.77	.27
بحرین	14	13	19	0,51
کویت	3	-	-	0,36
امارات	23	10	21	0,27
قطر	0	7	25	0,28
عربستان سعودی	0	10	29	0,16
عمان	9	9	33	0,23
ترکیه	9	8	33	0,26
ایران	3	13	34	0,32
اردن	8	-	-	0,19
لبنان	5	-	-	0,25
فلسطین	-	10	34	-
سوریه	12	-	40	0,20
یمن	1	4	15	0,25
آسیای میانه و قفقاز	17.00	26.00	60.66	.59
قزاقستان	12	38	67	0,68
آذربایجان	11	5	53	0,44
ترکمنستان	-	-	-	0,65
ازبکستان	16	-	-	0,64
تاجیکستان	20	-	-	0,65
قرقیزستان	26	35	62	0,55
جنوب آسیا	16.25	9.00	32.00	.36
مالدیو	12	14	49	0,54
پاکستان	21	3	25	0,18
بنگلادش	6	10	22	0,51
افغانستان	26	-	-	0,44
کل کشورهای اسلامی	2,53	15,63	39,07	0,44

## رابطه توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی جنسیتی

کشورهایی که از سطح توسعه انسانی بالاتری برخوردار هستند<sup>1</sup>، وضعیت بهتری در شاخص توسعه‌ی جنسیتی دارند (جدول 7).

جدول 7: همبستگی بین شاخص توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی جنسیتی در سال 2009 در کشورهای اسلامی به تفکیک

### منطقه

سال 2009		کشورهای اسلامی
sig	ضریب همبستگی پیرسون R	
-	-	اروپای مرکزی و شرقی
0,002	0,998	آفریقای شمالی
0,000	0,997	آفریقای مرکزی و جنوبی
0,000	0,997	غرب آسیا
0,021	0,999	شرق آسیا
0,003	0,997	جنوب آسیا
0,000	0,999	آسیای میانه و قفقاز

## رابطه توسعه‌ی انسانی و توانمندسازی جنسیتی

جدول 8 نشان‌دهنده‌ی آن است که رابطه‌ی معنادار و مستقیمی میان شاخص توسعه‌ی انسانی و توانمندسازی جنسیتی در اکثر مناطق وجود ندارد و تنها در منطقه‌ی غرب آسیا بین این دو شاخص رابطه‌ی معنادار وجود دارد. کشورهایی که از سطح توسعه‌ی انسانی بالایی برخوردارند، لزوماً وضعیت بهتری در توانمندسازی جنسیتی ندارند.

<sup>1</sup>. منطقه‌ی اروپای مرکزی و شرقی تنها دو کشور اسلامی دارد؛ آلبانی و بوسنی و هرزگوین. به دلیل اینکه تنها دو کشور اسلامی در این گروه وجود دارد، نمی‌توان آزمون ضریب همبستگی پیرسون را به دست آورد.

جدول 8: همبستگی بین شاخص توسعه‌ی انسانی و شاخص توانمندسازی جنسیتی در سال 2009 در کشورهای اسلامی به تفکیک منطقه

سال 2009		کشورهای اسلامی
sig	ضریب همبستگی پیرسون R	
-	-	اروپای مرکزی و شرقی
0,951	-0,076	آفریقای شمالی
-	-	آفریقای مرکزی و جنوبی
0,023	0,824	غرب آسیا
-	-	شرق آسیا
0,430	0,780	جنوب آسیا
0,637	-0,540	آسیای میانه و قفقاز

### نتیجه‌گیری

نابرابری جنسیتی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای اسلامی آفریقای شمالی و غرب آسیا و ایران همچنان چشمگیر است. این عدم هماهنگی بیان‌گر آن است که توانمندسازی زنان در این کشورها در سطوح اولیه‌ی توانمندسازی (مرحله‌ی رفاه) باقی مانده و به سطوح دسترسی و کنترل نرسیده است. و علی‌رغم اینکه سطح آموزش در این کشورها به نحو چشمگیری بهبود یافته اما زنان در این کشورها دسترسی ناچیزی به منابع اقتصادی و کنترل بر منابع تولید دارند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد در هیچ یک از مناطق هنوز به صورت برابر با زنان رفتار نشده است و باتوجه به دسترسی کمتر زنان به منابع، آنان همچنان سهم کمتری در کسب درآمد دارند و شکاف درآمد میان زنان و مردان در تمامی مناطق کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود (این شکاف در کشورهای غرب آسیا و آفریقای شمالی و ایران بیش از سایر مناطق است). وضعیت شغلی زنان در شاخص‌های توانمندسازی جنسیتی نشان می‌دهد که زنان در تمامی مناطق کشورهای اسلامی جایگاه مناسبی در سطوح مشاغل مدیریتی و اجرایی ندارند. در واقع می‌توان گفت در این کشورها، مدیریت حوزه‌ای مردانه تلقی می‌شود، این وضعیت در ایران و

کشورهای اسلامی غرب آسیا و آفریقای شمالی بیش از سایر مناطق به چشم می‌خورد. در حوزه‌ی سیاست هم می‌توان گفت، مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی با محدودیت‌های بسیاری مواجه است، به ویژه در ایران، غرب آسیا و شمال آفریقا و این موضوع حاکی از آن است که سیاست نیز حوزه‌ای مردانه است و زنان نقش کم‌رنگی در سطوح بالای تصمیم‌گیری این کشورها دارند؛ لذا مشارکت سیاسی زنان بسیار کم‌رنگ است. از سوی دیگر با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت ساختار سیاسی کشورها، نقش مهمی در توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی دارد، مثلاً کشورهای اسلامی آسیای میانه و قفقاز همچون آذربایجان، قرقیزستان و کشورهای اسلامی شرق آسیا همچون مالزی، موقعیت بهتری در شاخص‌های توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی دارند. در مقابل کشورهای خاورمیانه (غرب آسیا و شمال آفریقا) که دارای حکومت‌های سلطنتی و اقتدارگرا هستند، موقعیت نامناسبی در این شاخص‌ها دارند. اقتدارگرایی وجه مشخصه‌ی عمده‌ی دولت‌های عربی و اسلامی است که در آن اقتدار سیاسی در گروه کوچکی از سیاست‌مداران متمرکز شده است. از سوی دیگر، شاهد آن هستیم که جامعه‌ی مدنی به مثابه‌ی بستری از کردارهای مشترک اجتماعی غیردولتی، حول منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک، در جوامع خاورمیانه (ایران، غرب آسیا و شمال آفریقا) بسیار شکننده و ضعیف است. از طرفی، ارزش‌های فرهنگی (ارزش‌های دینی و سنتی) این مناطق، نتوانسته است با بدنه‌ی اجتماعی ارتباط برقرار نماید. در این کشورها، نقش‌های جنسیت در چارچوب خانواده بوسیله‌ی یک پارادایم سنتی و با چهار محور شکل می‌گیرد: 1- خانواده، به جای فرد، به‌عنوان واحد اصلی اجتماع مرکز ثقل است و در آن، زنان و مردان، نقش‌های مکمل و نه مساوی هم، ایفا می‌کنند. هم زنان و هم مردان، خانواده را به‌عنوان یک دارایی فرهنگی می‌نگرند. 2- این تلقی که مرد را به‌عنوان نان‌آور خانواده می‌شناسد، وجود دارد. 3- این نگرش، که عزت و افتخار خانواده به‌اعتبار و حیثیت زن بستگی دارد، محدودیت‌هایی در روابط و تعامل زنان و مردان به‌همراه دارد. 4- یک عدم توازن قدرت در درون خانواده، که در مباحث حقوق خانواده به‌عنوان یک مرکز ثقل

تلقی می‌شود، وجود دارد. این باور، که مهم‌ترین کمک زنانی که قصد ازدواج دارند به خانواده و اجتماع، نقش خانه‌داری و مادر بودن آنهاست، مسلم می‌سازد که خانواده‌ها به وسیله‌ی مردانی که شاغل هستند اداره می‌شود. کار کردن مردان، به آنها اجازه می‌دهد که نیازهای لازم خانواده خود را تأمین کنند و زنان نیز، برای حمایت و پشتیبانی به مردان خود تکیه داشته باشند. از این رو، مسئولیت مرد برای حمایت همسر و سایر افراد خانواده‌اش، بر کنترل او روی تعاملات همسرش در عرصه‌های عمومی، تأثیر می‌گذارد به علاوه، برخی دیگر از قوانین دارای رویکردهای مختلف جنسی، من جمله اعمال محدودیت در نوع یا ساعات کار و اخذ اجازه‌ی شوهران در مورد کار یا سفر زنان خود، انعطاف زنان را به عنوان نیروی کار کاهش می‌دهد. این مقررات، ممکن است کارفرمایان را در استخدام زنان به اکراه وادارد و رقابت را در بازارکار، محدود کند و این نابرابری جنسیتی به کاهش میزان مشارکت زنان می‌انجامد که به نوبه‌ی خود منجر به بی‌عدالتی جنسیتی خواهد شد. برای رفع این نابرابری‌ها، با نهادینه نمودن نگرش‌های جنسیتی در برنامه‌های توسعه، باید تلاش نمود تا شکاف‌های جنسیتی را در عرصه‌های مختلف بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی کاهش داد.

در ایران و در بسیاری از کشورهای اسلامی تنها تعداد محدودی از زنان در پست‌های مدیریتی و مهم تصمیم‌گیری کشور قرار دارند. در ایران علی‌رغم آن‌که قانون اساسی کشور راه را برای تصدی اکثر مناصب تصمیم‌گیری برای زنان باز گذاشته، با این وجود تنها 2/8 درصد مشاغل مدیریتی در کشور به زنان اختصاص یافته است. در ایران فرصت شغلی زنان یک سوم مردان است. از آن‌جا که نیروی انسانی اصلی مهم برای رسیدن به توسعه می‌باشد در ایران و به طور کلی در کشورهای اسلامی به دلیل وجود بعضی نگرش‌های سنتی سعی در محدود کردن آنها برای اشتغال در خارج از خانه می‌شود در صورتی که می‌توان گفت حضور زنان به عنوان نیمی از جمعیت نیروی انسانی موجب توسعه‌یافتگی کشورها خواهد گردید..



با تحول و اصلاح نگرش و عمل نهادهایی که نقش اصلی و تعیین‌کننده در تعریف و بهبود وضعیت و پایگاه زنان در کشورهای اسلامی دارند، جایگاه این کشورها در توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی بهبود یافته که در نهایت منجر به بهبود توسعه‌ی انسانی این کشورها خواهد گردید. بنابراین نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش کولایی و حافظیان، هم‌سو است. در پژوهش کولایی و حافظیان مشاهده می‌گردد دولت‌ها و نظام‌های تصمیم‌گیرنده در کشورهای اسلامی شرق آسیا که بیشتر از دولت‌ها و نظام‌های تصمیم‌گیرنده در خاورمیانه معتقد به مشارکت زنان و استفاده از آنان برای بهبود توسعه هستند، جایگاه بهتری در توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی دارند. در مجموع تحلیل‌ها نشان می‌دهد که وضعیت زنان در کشورهای اسلامی از ماهیت متناقضی برخوردار است؛ یعنی در بعضی از حوزه‌ها همچون بهداشت و آموزش، وضعیت زنان مناسب است اما در حوزه‌هایی همچون مشارکت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی محدودیت‌های بسیاری وجود داشته و زنان جایگاه مناسبی ندارند.

## فهرست منابع و مآخذ:

- باستانی، سوسن (1383)، "گزارش: توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان"، مطالعات زنان، ص 177-188.
- برزگر، نسرين (1386)، بررسی تحلیلی - تطبیقی ارتباط آموزش با شاخص های توسعه انسانی بر مبنای جنسیت، پایان نامه‌ی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
- خانی، فضیله (1385)، جنسیت و توسعه، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- سن، آمارتیا (1381)، توسعه به مثابه آزادی، مترجم: حسین راغفر، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
- موزر، کارولین (1372) «برنامه‌ریزی برحسب جنسیت در جهان سوم، شناخت احتیاجات علمی و استراتژیک جنسیت»، تهران: دنیای توسعه.
- کولایی، الهه؛ محمدحسین حافظیان (1385)، "نقش زنان در توسعه‌ی کشورهای اسلامی"، مجله پژوهش زنان، شماره‌ی 14، صص 33-60.
- لیس توریس، آماری و همکاران (1375)، جنسیت و توسعه، ترجمه‌ی دکتر یوسفیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات هدی.
- مامسن، جانت هنشل (1387)، جنسیت و توسعه، مترجم: زهره فنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، مرضیه ابوعلی و دادهیر و نسرين برزگر (1389)، "توسعه‌ی انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان"، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، شماره‌ی 4، ص 51-73.
- Chamlou, N. (2006), "Gender, Development, and the Law in the Middle East and North Africa": vol 18, p 269-287.

- Malhatra, S. R. Schuler and C. Boender. (2002) Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development.
- Offenhauer. P. (2005), WOMEN IN ISLAMIC SOCIETIES: A SELECTED REVIEW OF SOCIAL SCIENTIFIC LITERATURE, Washington, D.C. 20540–4840: Federal Research Division Library of Congress.
- World Bank. Gender and Development in the Middle East and North Africa: Women in the Public Sphere. Washington, DC: Social and Economic Development Department, 2003b.
- United Nations (2000), Human Development Report, Development Program, Oxford and New York, Oxford University.  
<http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr2000>
- United Nations (2007-2008), Human Development Report, Development Program, Oxford and New York, Oxford University.  
<http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr2007-2008>
- United Nations (2009), Human Development Report, Development Program, Oxford and New York, Oxford University.  
<http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr2009>
- <http://www.whc.ir/articles/articles/view/16395>